

به نام خداوند لوح و قلم

دستور چالشی زبان فارسی

جستاری بر پایه‌ی معیارهای زبان‌شناسی

به‌یادآورنده:

دکتر پرویز البرزی

دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه تهران



آرشیو اسناد و کتاب

۱۳۹۴

سرشناسه	: البرزی ورکی، پرویز، ۱۳۳۴
عنوان و نام پدیدآور	: دستور چالشی زبان فارسی: جستاری بر پایه‌ی معیارهای زبان‌شناسی، پرویز البرزی
مشخصات نشر	: تهران: بازتاب، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۲۷۲ ص: مصور، جداول:
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۲۲-۰۷-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	: قیپای مختصر
یادداشت	: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nliai.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	: کتاب‌نامه.
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۳۸۰۱۰۷۲



انتشارات بازتاب

دستور چالشی زبان فارسی

- ✦ تألیف: پرویز البرزی
- ✦ ناشر: انتشارات بازتاب
- ✦ صفحه‌آرا: زهره ترکمن
- ✦ طراح جلد: محمدرضا البرزی
- ✦ نوبت چاپ: اول، تهران - ۱۳۹۴
- ✦ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
- ✦ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۲۲-۰۷-۳
- ✦ چاپ و صحافی: اف‌رنگ - نوین
- ✦ قیمت: ۱۷۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ و مسئولیت صحت مطالب به عهده مؤلف است.

تهران، خیابان انقلاب، خیابان اردبیهشت (شهید منیری جاوید)، تقاطع ژاندارمری، ساختمان دانشجوی،

پلاک ۶۱، طبقه اول، انتشارات بازتاب

تلفن: ۶۶۴۱۷۴۲۵ - ۶۶۴۹۴۵۴۱ - فکس: ۶۶۹۵۶۰۶۹

تهران، خیابان انقلاب، خیابان روانمهر، بین خیابان دوازده فروردین و خیابان فجر رازی - پلاک ۱۰۸

تلفن: ۶۶۴۱۷۶۸۰ - ۶۶۴۶۵۴۲۶

فهرست مطالب

ردیف	عنوان	صفحه
	پیش‌گفتار	۷
	مقدمه	۹
۱.	کلیات	۱۵
۱.۱	معرفی پنج اثر دستوری	۱۵
۲.۱	مشکلات دستورهای آموزشی	۱۹
۳.۱	مفاهیم بنیادین دستور زبان	۲۲
۱.۳.۱	مفهوم واژه‌ی دستور و دسته‌بندی آن	۲۸
۲.	انواع جمله‌ها به اعتبار ارکان آن	۳۵
۱.۲	جمله‌های تک‌جزئی	۳۸
۲.۲	جمله‌های دوجزئی	۳۹
۳.۲	جمله‌های سه‌جزئی	۴۰
۴.۲	جمله‌های چهارجزئی	۴۶
۵.۲	شبه‌جمله‌ها	۴۹
۳.	مقولات دستوری و گروه‌واژه‌ها	۵۱
۱.۳	فعل و گروه فعلی	۵۱
۱.۱.۳	فعل‌های ربطی و فعل‌های خاص	۵۱
۱.۱.۱.۳	فعل‌های ربطی	۵۲
۲.۱.۱.۳	فعل‌های خاص	۵۷
۲.۱.۳	مقولات ثانویه‌ی فعل‌ها	۵۸
۳.۱.۳	ساختار گروه فعلی	۶۹
۲.۳	اسم و گروه اسمی	۷۴
۱.۲.۳	اسم	۷۴
۲.۲.۳	ضمایر شخصی	۷۵

۷۹	گروه اسمی	۳.۲.۳
۸۰	محدودکننده‌های اسمی	۱.۳.۲.۳
۸۴	تعیین‌کننده‌های پیشین	۱.۱.۳.۲.۳
۹۰	توصیف‌کننده‌های پیشین	۲.۱.۳.۲.۳
۹۲	توصیف‌کننده‌های پسین	۳.۱.۳.۲.۳
۹۷	تعیین‌کننده‌های پسین	۴.۱.۳.۲.۳
۹۹	روابط وابسته‌پذیری در گروه‌های اسمی	۴.۲.۳
۱۰۲	صفت و گروه صفتی	۳.۳
۱۰۳	تقسیم‌بندی صفت‌ها به اعتبار معنایی	۱.۳.۳
۱۰۷	نقش صفت‌ها	۲.۳.۳
۱۰۹	روابط وابسته‌پذیری در گروه‌های صفتی	۳.۳.۳
۱۱۰	قید و گروه قیدی	۴.۳
۱۱۱	تقسیم‌بندی قیدها به اعتبار ساختاری	۱.۴.۳
۱۱۷	دسته‌بندی قیدها به اعتبار معنایی	۲.۴.۳
۱۲۳	نقش قیدها	۳.۴.۳
۱۲۹	هلال‌واژه و گروه هلال‌واژه‌ای	۵.۳
۱۳۰	تقسیم‌بندی هلال‌واژه‌ها به اعتبار ساختار	۱.۵.۳
۱۳۰	هلال‌واژه‌های ساده	۱.۱.۵.۳
۱۳۳	هلال‌واژه‌های گروهی	۲.۱.۵.۳
۱۳۸	گروه‌های هلال‌واژه‌ای	۲.۵.۳
۱۴۲	پیوندواژه و گروه پیوندواژه‌ای	۶.۳
۱۴۳	پیوندواژه‌های همپایه	۱.۶.۳
۱۴۳	پیوندواژه‌های ناهمپایه	۲.۶.۳
۱۴۴	پیوندواژه‌های ناهمپایه ساده	۱.۲.۶.۳
۱۴۴	پیوندواژه‌های ناهمپایه مرکب	۲.۲.۶.۳
۱۴۴	پیوندواژه‌های ناهمپایه گروهی ناگسسته	۳.۲.۶.۳
۱۴۴	پیوندواژه‌های ناهمپایه گروهی گسسته	۴.۲.۶.۳

۱۴۵	گروه‌های پیوندواژه‌ای	۳.۶.۳
۱۴۹	مقولات بینابینی	۷.۳
۱۴۹	واژه‌های شناور	۱.۷.۳
۱۶۱	اسم‌های فعلی و صفت‌های فعلی	۲.۷.۳
۱۶۶	واژه‌بست‌ها	۳.۷.۳
۱۶۷	رابط اضافه	۱.۳.۷.۳
۱۶۸	معرفه‌سازها و نکره‌سازها	۲.۳.۷.۳
۱۷۱	واژه‌بست‌های ضمیری	۳.۳.۷.۳
۱۷۷	تفاوت واژه‌بست و وند تصریفی	۴.۳.۷.۳
۱۸۱	وابسته‌پذیری	۴
۱۸۲	حاکمیت و وابسته‌پذیری نحوی: متمم‌ها و افزوده‌ها	۱.۴
۱۸۹	تفاوت افزوده‌ها و متمم‌های اختیاری	۲.۴
۱۹۱	متمم‌های زبان فارسی	۳.۴
۱۹۲	متمم‌های اولیه	۱.۳.۴
۱۹۲	متمم‌های اولیه اجباری	۱.۱.۳.۴
۲۰۱	متمم‌های اولیه اختیاری	۲.۱.۳.۴
۲۰۲	متمم‌های ثانویه	۲.۳.۴
۲۰۲	متمم‌های ثانویه اجباری	۱.۲.۳.۴
۲۰۹	متمم‌های ثانویه اختیاری	۲.۲.۳.۴
۲۱۲	افزوده‌های زبان فارسی	۴.۴
۲۱۴	افزوده‌های اولیه	۱.۴.۴
۲۱۸	افزوده‌های ثانویه	۲.۴.۴
۲۲۲	متمم‌های اولیه قیودی	۵.۴
۲۲۷	واژه‌سازی	۵
۲۲۹	واژه‌های اشتقاقی	۱.۵
۲۳۶	واژه‌های مرکب	۲.۵
۲۳۶	واژه‌های مرکب صرفی	۱.۲.۵

۲۴۶	واژه‌های مرکب نحوی	۲.۲.۵
۲۴۹	ترکیب از رهگذر رابط اضافه	۱.۲.۲.۵
۲۵۲	ترکیب از رهگذر پیوندواژه همپایه	۲.۲.۲.۵
۲۵۶	ترکیب از رهگذر هلال‌واژه	۳.۲.۲.۵
۲۵۹	ترکیب از رهگذر گروه‌واژه‌های گروهی	۴.۲.۲.۵
۲۶۳	دورنمای دستورنویسی	
۲۶۵	منابع و مأخذ	

www.ketab.ir

پیش‌گفتار

در بدو سخن به سراغ دست‌ورنامه زنده‌یاد دکتر خسرو فرشیدورد می‌رویم و نکته‌ای را از لابلای بخش «گفتاری بجای پیش‌گفتار» برمی‌گزینیم:

«از صدها دستوری که اخیراً در ایران نوشته شده اکثر تقلید و نشخوار است از چند کتاب دیگر مانند: دستور پنج استاد و دکتر خانلری. در این موارد مقلدان بجای کامل و دقیق کردن کتاب‌های مورد تقلید، آن‌ها را نامنسجم و ناقص و غلط هم کرده‌اند و آن نوشته‌ها را از اصالت انداخته‌اند و سپس به‌نام خود چاپشان نموده‌اند.» (فرشیدورد ۱۳۸۸: ۴۵)

هر چند وجود تعدد کتاب‌های دستور زبان فارسی، نگارشی دیگر در این زمینه را بی‌نیاز می‌دارد؛ اما مواجهه با مشکلات توصیف، ناهماهنگی‌ها، نارسایی‌ها و کاستی‌های این دستورها، تلاش دیگری را می‌طلبد. از لحن کلام تند که بگزینیم، نویسنده پاره‌متن فوق بیهوده سخن نگفته است و اغلب دستور زبان‌های موجود کمابیش شبیه هم هستند.

دستورنامه‌های متداول برخی از بخش‌ها را به طور ناقص و پراکنده و بر حسب تمایلات شخصی و یا نظر به این‌که دانش بیشتری نسبت به آن مطلب دارند، بوجسته می‌کنند و بخش دیگری را یا کلاً نادیده گرفته و یا به طور مختصر و پراکنده مطالبی راجع به آن بیان می‌کنند و لذا تناسبی بین بخش‌های مختلف مشاهده نمی‌شود. ناهماهنگی مباحث و عدم یکپارچگی در بسیاری از کتاب‌های دستور زبان مشهود است، به گونه‌ای که بعضاً دامنه‌ی بخش‌ها نامتوازن به نظر می‌رسد. واکنشی خواننده در توصیف دستور زبان‌های رایج با نارسایی‌های عدیده‌ای مواجه می‌شود.

نگارنده در صدد است تا با نگاهی متفاوت نسبت به دستورهای موجود، خلأ حاکم بر دست‌ورنویسی زبان فارسی را برطرف نماید و طرحی نو در این زمینه خلق کند. بدیهی است که در این راستا هر نگارنده‌ای از سویی مرهون و مدیون یافته‌ها و دستاوردهای پیشینیان است و از سویی دیگر نسبت به توصیف و تحلیل آن چه می‌نگارد، مسئول و پاسخگوی دغدغه‌های آیندگان خواهد بود.

در اصل دست‌ورنویسان زبان‌ها اغلب از سنت دست‌ورنویسی زبان لاتین پیروی نموده‌اند. در خصوص زبان فارسی افزون بر آن مقولات دستوری زبان عربی نیز به عاریت گرفته شده است. اما امروزه با پیشرفت علوم در بسیاری از زمینه‌ها احساس می‌شود که دستور زبان‌های موجود مبنای علمی ندارند و دارای نواقص بسیاری هستند، به گونه‌ای که از سویی در بسیاری از موارد دانش‌آموزان، دانشجویان و حتی دبیران و مدرّسان با مطالعه‌ی دستورهای رایج زبان فارسی دچار سردرگمی می‌شوند. از سویی دیگر انجام چنین پژوهشی از این جهت ضروری به نظر می‌رسد، که تألیف و تدوین هر دستور زبان علمی، صرفاً بر پایه‌ی یافته‌های زبان‌شناسی نوین امکان‌پذیر است. مگر نه آن است که در میان علوم

مختلف تنها زبان‌شناسی است که در آن موضوع زبان همزمان به منزله ابزار و هدف تحقیق، مورد کنکاش قرار می‌گیرد. هدف از تألیف اثر حاضر این است که مقولات متعدد دستور زبان فارسی را بر اساس یافته‌های نوین زبان‌شناسی تعریف و توصیف کنیم. در واقع بررسی علمی و بروز نمودن دستور زبان فارسی مورد نظر نگارنده است. چنان‌چه چنین تحولی در مورد زبان ایجاد گردد که خود محملی برای تمامی علوم به شمار می‌رود، آن‌گاه رویه‌ای روتین در سایر علوم خواهد شد.

در پیش‌گفتار حاضر، گله‌ای نیز از برخی از ناشران کتاب‌های دستوری و دستورنویسان زبان فارسی داریم که گه‌گاه از سوی طیف‌های مختلف به گوش می‌رسد: پاره‌ای از کتاب‌های دستور زبان بکرات تجدید چاپ شده‌اند؛ اما انتشار برخی دیگر بعد از چاپ اول یا دوم متوقف شده است. برای نمونه «دستور کارکردی زبان فارسی» اثر خانم مهرانگیز نوبهار در سال ۱۳۷۲ به چاپ رسید و بعدها تنها یک بار در سال ۱۳۸۹ ویرایش دوم آن به رشته‌ی تحریر در آمده است که نگارنده هنوز این نسخه بازبینی شده را ندیده است. دو بحث حاضر، این نکته که کتاب وی مخاطب داشته یا نداشته، مطرح نیست، بلکه سؤال این است که چرا دیگران در طول این سال‌ها به برخی نکات تأمل‌برانگیزی که وی در کتابش مطرح نموده ارجاع نکرده‌اند. چرا دستورنویسان بعدی این نکات را نادیده گرفته‌اند؟ چرا کتاب وی مورد بی‌مهری قرار گرفته است؟ دستورنامه خانم نوبهار هم رویکرد آموزشی و هم رویکرد کاربردی دارد و خود در پیش‌گفتار اظهار امیدواری می‌کند که اثرش بتواند به تدریس زبان فارسی کمک کند. پس چرا نام وی و کتاب وی در فهرست منابع کتاب‌های آموزشی زبان فارسی و سایر کتاب‌های دستوری رایج مشاهده نمی‌شود؟

سؤال‌های ذکرشده را هرگز پاسخی نخواهد بود، زیرا درج تکراری عناوین فهرست منابع در بسیاری از کتاب‌های دستوری رایج، ظاهراً مبنای علمی ندارد و اساسی آثار در اغلب منابع به گروه‌ها و محافل خاصی محدود می‌شوند.

تاریخ دستورنویسی و به تبع آن دستورنویسی زبان فارسی دارای فرازونشیب‌هایی است که بحث پیشینه‌ی تحقیق آن در چارچوب کتاب حاضر نمی‌گنجد. از این جهت پیشنهاد می‌کنیم که برای آگاهی بیشتر نسبت به پیدایش و سیر تحول دستورنویسی زبان فارسی و نیز تبیین معایب دستور سنتی به باطنی (۱۳۵۶: ۱۷-۷۴)، صفا و دیگران (۱۳۸۳: ۱۸۸-۱۹۵)، فرشیدورد (۱۳۸۸: ۳۴-۴۰) و البرزی (۱۳۸۸: ۱۹۰-۱۹۶) مراجعه شود.

هر چند اندکی از کتاب‌های دستوری نوین، بخشی از دستور کتاب‌های آموزش زبان و نیز برخی از مقالات در باره پدیده‌های دستوری، علی‌رغم این‌که به صورت پراکنده و جسته-گریخته به معدودی از نوافض توصیف دستور زبان فارسی اشاره نموده‌اند، و در اصلاح هر چند اندک بخشی از آن‌ها همت گماشته‌اند؛ اما هنوز نارسایی‌ها و کاستی‌هایی در توصیف دستورهای موجود مشاهده می‌شود و این دستورها کمابیش در لاک سنتی خود باقی مانده‌اند و دریچه‌ی دستور زبان کماکان بر روی پاشنه‌ی سنتی می‌گردد. بسیاری از کتاب‌های جدید که به توصیف مفصل دستور زبان پرداخته‌اند، نیز تاکنون قادر به تبیین ابتدایی‌ترین بخش دستور زبان که همانا شناسایی مقولات دستوری است، عاجز و ناتوان بوده‌اند. این نارسایی‌ها حتی در کتاب‌های مختلف دستوری با عناوینی همچون «بر پایه‌ی نظریه‌های نوین زبان-شناسی»، مانند دستور ساختاری، دستور زایشی و دستور وابسته‌پذیری به وضوح مشاهده می‌شود. برای نمونه، حتی کلّیه‌ی دستورنویسان جدید، آن‌گاه که عناصر گروه‌های اسمی زبان فارسی را تحلیل می‌کنند، نیز برای اعداد اصلی و یا عناصر اشاره‌ای «ین» و «ن»، اصطلاحات دستوری «صفت»، «صفت شمارشی»، «صفت اشاره‌ای» و یا حتی «ضمیر اشاره-ای» را به کار می‌برند. در این راستا بدیهی است که اطلاق «صفت» به اعداد اصلی و یا به عناصر اشاره‌ای «ین» و «ن» با هیچ یک از معیارهای رایج معناشناختی، ساختاری و توزیعی انطباق ندارد. در منابع دستوری با نمونه‌های دیگری از این قبیل مواجه می‌شویم. بسیاری از دستوربان و از جمله طبیب‌زاده (۱۳۹۱: ۳۰۲-۳۰۵) صفت‌هایی مانند «تند» و «رام» را جزء قیده‌های زبان فارسی دسته‌بندی می‌کنند و یا اسمی مانند «دیروز» و صفتی مانند «زیبا» را جزء قید غیر ذاتی می‌دانند. همچنین باطنی پیوندها را یا واژه‌های شناوری مانند «که»، «گر»، «چون»، «زیرا»، «تا»، «مگر»، «ولی»، «ما»، «بلکه»، «برای این‌که» و «وقتی که» را

جزء گزینه‌هایی از گروه‌های قیدی دسته‌بندی می‌کند (باطنی ۱۳۶۴: ۱۷۶) و در پی وی طبیب‌زاده همین واژه‌ها یا گروه‌واژه‌ها را که در آغاز گروه‌های پیوندواژه‌ای به کار می‌روند، قیده‌های وابسته‌ساز می‌نامد (طبیب‌زاده ۱۳۹۱: ۳۱۰-۳۱۱). وانگهی باطنی و برخی از پیروان وی گروه‌های هلال‌واژه‌ای مانند «به علت تنبلی زیاد» و «در باره‌ی شهریه‌ی این نیمسال» را گروه‌های قیدی می‌نامند (باطنی ۱۳۶۴: ۱۷۳-۱۷۵) که البته منظور باطنی احتمالاً نقش آن‌هاست. بسیاری از دستورنویسان آگاهانه از کنار توصیف برخی مقولات می‌گذرند و برای مثال بررسی مقوله‌ای همانند «قید مکان» را نادیده می‌گیرند (طبیب‌زاده ۱۳۹۱) و یا به گونه‌ای ابهام‌آمیز واژه‌هایی مانند «تنها» و «بسیار» را زیرمجموعه‌ی طبقه‌ی صفت‌ها دسته‌بندی می‌کنند (باطنی ۱۳۶۴: ۱۷۷). اغلب این دستورنویسان و نظریه‌پردازان دستور زبان فارسی، علی‌رغم این‌که در پیش‌گفتار یا مقدمه‌ی کتاب خود ادعا می‌کنند که صرفاً به توصیف واقعیت‌های زبانی می‌پردازند؛ اما در متن بحث عمدتاً از این ادعا فاصله می‌گیرند و در قالب نظریه هم‌چنان به دستورالعمل‌های پیشنهادی خود استناد می‌کنند که دقیقاً همان تجویز محض به شمار می‌رود.

یکی از ویژگی‌های مهم اثر حاضر این است که نمونه‌ای از یک دستور چالشی را پیشنهاد می‌نماید. یعنی هدف تحقیق صرفاً بررسی قواعد کاربردی در گزینه‌های صوری یا روساخت نیست، بلکه تمهیدات و روش‌هایی را که نگارنده به یافته‌های دلخواه رسیده است، ارائه می‌دهد و چگونگی و چرایی یافته‌هایی که بعضاً با بررسی‌های سایر کتاب‌های دستوری تفاوت دارد، تبیین می‌کند. در این اثر ناگفته‌های دستور زبان و نیز آن دسته از پدیده‌ها و مقولات زبانی که بحث آن‌ها همواره در بین دستورنویسان محل مناقشه بوده است، مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد. از این جهت چالش با سایر دستورنویسان و درج ارجاعات و توضیحات در درون متن از ویژگی‌های دستور حاضر به شمار می‌روند، و این روش کاملاً متفاوت با رویکرد دستورهای رایج موجود، خواه دستورهای آموزشی، خواه دستورهای غیر آموزشی، می‌باشد که در آن‌ها دستورنویسان ارجاعات درون‌متنی را به طور کلی نادیده می‌گیرند.

رویکرد اثر حاضر آمیزه‌ای از این دو نوع دستور آموزشی و غیر آموزشی نیست، بلکه راهبردهایی از هر دو نوع دستور را بعضاً با نگاهی انتقادی مورد توجه قرار می‌دهد و شواهد و داده‌هایی از هر کدام را برمی‌گزیند. دستور زبان حاضر، دستوری غیر آموزشی، توصیفی و بر اساسی نظریه‌ی وابسته‌پذیری تدوین شده است. گرچه اثر حاضر دارای شالوده‌ی نظری و بر پایه‌ی نظریه‌ی وابسته‌پذیری لوسین تنی‌یر (۱۹۵۹) و آرای دستور محدودکنندگی تدوین

شده است، با این حال در هر مبحثی از متن، که آرای دیگری بهتر از عهده‌ی توضیح و تبیین پدیده‌های دستوری برآمده، از آن بهره گرفته‌ایم. به‌علاوه سعی نگارنده بر آن بوده است تا در تعریف‌ها، توصیف‌ها و یا نامگذاری‌ها، تا جایی که امکان دارد، از دستورهای رایج دوری نجوید. نگارنده در توصیف اثر حاضر هرگز در صدد برنیامده تا همه‌ی هنجارهای سنتی در دستورنویسی را به باد انتقاد بگیرد، بلکه بر آن است تا موازین سنتی را در چارچوب معیارهای زبان‌شناسی ارزیابی نماید. آن چه در چارچوب مطالب دستوری برای تدریس زبان فارسی در کتاب‌های درسی دبیرستانی و دانشگاهی تدوین شده است مورد توجه قرار می‌گیرد. در ضمن نگارنده از دستورهای غیر آموزشی نیز بهره جسته است و در این راستا، همان‌گونه که اشاره شد، نگاهی چالشی به توصیف‌های مختلف از دستورهای زبان فارسی دارد.

بدیهی است که راهبرد واقعی اثر حاضر چنین نیست که فردی یا گروهی را به چالش بکشد، بلکه سعی بر آن است تا دیدگاه‌های حاکم بر سنت دستورنویسی زبان فارسی را در معرض آزمون قرار دهد. نگارنده بر آن است تا آن دسته از توصیف‌های پدیده‌های دستوری پیشینیان را که مطلوب است، با معیارهای پذیرفته‌شده زبان‌شناسی تأیید کند و برای آن چه که ناقض این معیارها باشد، پیشنهاد مناسب عرضه نماید. مگر نه این است که به قول فرشیدورد (۱۳۹۳: ۳۸) هر دستور زبانی که از یافته‌های زبان‌شناسی الهام نگرفته باشد، برآیند دقیق و شایسته‌ای به همراه نخواهد داشت. با این حال جای شگفتی است که فرشیدورد در توصیف دستوری کتابش به تعبیر خود، شیوه‌ی التقاطی در پیش می‌گیرد (فرشیدورد ۱۳۸۸: ۶۲)، به گونه‌ای که تأثیر پارامترهای زبان‌شناسی را بر پدیده‌های دستوری نادیده می‌انگارد: حوزه‌های آواشناسی و دگرگونی‌های واجی و ساخت‌وازی زبان فارسی را در فصل‌های جداگانه تحلیل می‌نماید، در حالی که مباحث نحوی عاری از تحلیل زبان‌شناسانه‌اند. اخیراً همچنین یکی از پیروان مکتب فرشیدورد نیز همین شیوه را برگزیده است (فاضل ۱۳۹۲). در کتاب فاضل، از آوانگاری شواهد که بگذریم، مبحث توصیف دستوری آن هیچ گونه تفاوت آشکاری با آثار دستوری دیگر ندارد.

در کتاب حاضر عناصر زبانی را به صورت منظم و متناسب و متوازن در هر بخش مورد بررسی قرار می‌دهیم و از پراکنده‌گویی پرهیز می‌نماییم. مبنای توصیف کتاب حاضر شواهد زبان معیار فارسی کنونی است؛ اما در بسیاری از موارد از داده‌های زبان گفتاری محاوره بهره جسته و گاهی نیز شواهد زبان ادبی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. شواهد زبان محاوره را از این جهت مورد توجه قرار می‌دهیم که مثلاً مقولات زبانی گاهی تنها در داده‌های محاوره به کار می‌روند،

مانند تعیین‌کننده‌های معرفه‌ساز. همچنین شواهد زبان ادبی را از این جهت مورد توجه قرار می‌دهیم که مثلاً مقولات زبانی بعضاً در داده‌های ادبی به کار نمی‌روند، مانند حذف فعل ربطی در برخی از اشعار زبان فارسی. در هر حال بیشتر مثال‌ها، منتخب داده‌ها و شواهد آثاری است که در فهرست منابع ذکر شده.

از بخش پیش‌گفتار، مقدمه و دورنمای دستورنویسی که بگذریم، کتاب حاضر از پنج فصل جداگانه تشکیل می‌شود. در فصل اول که موسوم به کلیات است، بعد از توصیف برخی از مشکلات دستورهای آموزشی، مفاهیم و اصطلاحات جدید دستوری را معرفی می‌کنیم. در فصل دوم با توصیف انواع جمله به اعتبار ارکان آن مواجه می‌شویم. فصل سوم که حجیم‌ترین و طولانی‌ترین فصل کتاب به شمار می‌رود، به هفت زیرفصل دسته‌بندی می‌شود. هر یک از این زیرفصل‌ها به گروه‌ها یا گروه‌واژه‌های خاصی می‌پردازد. در این زیرفصل‌ها گروه‌ها یا گروه-واژه‌ها را به صورت منظم تحلیل می‌کنیم، ابتدا انواع شش‌گانه گروه‌های کلامی را به تفصیل بررسی می‌کنیم و سپس در زیرفصل هفتم با توصیف مقولات بینابینی آشنا می‌شویم. در فصل چهارم که موسوم به فصل وابسته‌پذیری است، از جمله متمم‌ها و افزوده‌های زبان فارسی را به صورت جداگانه تحلیل می‌نماییم. در فصل پایانی به توصیف پدیده‌های واژه‌سازی می‌پردازیم. در اثر حاضر، حجم پانویس‌ها نسبتاً زیاد است. خواننده در پانویس‌ها به اطلاعات بیشتری دست می‌یابد که شاید هرگز نتواند در سایر منابع به آن برسد. احتمالاً خوانندگانی نیز هستند که از حاشیه‌ی متن بیشتر لذت می‌برند تا از متن کتاب.

مخاطبان اصلی دستور زبان حاضر دبیران زبان و ادبیات فارسی دبیرستان‌ها در کلیه‌ی رشته‌های تحصیلی می‌باشند که بعضاً خود نیز نسبت به توصیف بسیاری از نکات دستوری که در کتاب‌های درسی درج شده، دغدغه‌هایی دارند. دانش‌پژوهان کنجکاو و علاقه‌مند در مراکز تربیت معلّم و حتی دانش‌آموزان کوشا در مقاطع بالاتر آموزش متوسطه در رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی مخاطبان بعدی به شمار می‌روند که در پردازش غیر تخصصی برخی از یافته‌ها جزء گروه هدفند. دانشجویان زبان و ادب فارسی و نیز زبان‌شناسی در کلیه‌ی مقاطع تحصیلی دانشگاهی و مدرّسان مرتبط با این رشته‌ها گروه بعدی هستند که می‌توانند از این اثر بهره گیرند. بنابراین بیشترین مخاطبان اثر حاضر دبیران زبان فارسی، دانش‌پژوهان، دانشجویان و مدرّسان دانشگاهی می‌باشند. در نهایت هر آن‌که به پدیده‌های دستور زبان فارسی می‌اندیشد و بعضاً دغدغه‌ها و پرسش‌هایی نسبت به آن را در ذهن خود می‌پروراند، با مطالعه‌ی کتاب حاضر پاسخ‌های مطلوب، متناسب و شایسته‌ای خواهد گرفت. در این راستا، نگارنده امیدوار

است که اثر حاضر با مخاطبان خود سازگاری مناسبی داشته باشد و امید است که با توزیع آن در نقاط مختلف کشور تحول عظیمی در سنت دستورنویسی زبان فارسی شکل گیرد. نگارنده توصیه می‌کند که خوانندگان فرهیخته قبل از مطالعه‌ی فصل‌های مختلف کتاب، مبحث «مفاهیم بنیادین دستور زبان» در بخش ۳.۱. را با دقت کافی مورد توجه قرار دهند تا پیشاپیش با اصطلاحات و مفاهیم جدید دستوری آشنا گردند.

در پایان، لازم می‌دانم که اثر حاضر را به دوستداران زبان، ادب و فرهنگ فارسی تقدیم نمایم.

پرویز البرزی

آذر ماه ۱۳۹۳

www.ketab.ir